

اندازه شهر و کیفیت زندگی در سکونتگاه‌های شهری مطالعه موردی: استان‌های گیلان و مازندران*

حسین منصوریان^۱ - استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران، تهران، ایران
سپیده عظیمی - دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۱/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۴/۲۲

چکیده

کیفیت زندگی مفهومی پیچیده، چندبعدی و وابسته به زمان و مکان است. یکی از عوامل مکانی تأثیرگذار بر کیفیت زندگی، اندازه سکونتگاه می‌باشد. بر این اساس، هدف پژوهش حاضر، بررسی ارتباط میان اندازه شهر و کیفیت زندگی است. این پژوهش از نظر هدف کاربردی و با توجه به ماهیت هدف‌گذاری و ابزارهای دستیابی به اهداف، توصیفی-تحلیلی است. محدوده مورد مطالعه پژوهش، سکونتگاه‌های شهری دو استان گیلان و مازندران است. داده‌های عینی کیفیت زندگی از سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ و داده‌های ذهنی کیفیت زندگی با استفاده از پرسش‌نامه محقق ساخته استخراج شده است. برای تحلیل داده‌های پژوهش از تکنیک‌های آمار توصیفی و استنباطی شامل میانگین، انحراف معیار، آزمون T تک نمونه‌ای، تحلیل همبستگی و تحلیل مؤلفه‌های اصلی استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان داد که بعد عینی کیفیت زندگی شامل کیفیت مسکن، دسترسی به امکانات و خدمات، نرخ باسوادی و دسترسی به فرصت‌های شغلی دارای همبستگی مثبت و معنادار با اندازه شهر و بعد ذهنی کیفیت زندگی شامل آرامش، رضایت از زندگی، فرصت‌ها و وضعیت اجتماعی دارای همبستگی منفی معنادار با اندازه شهر است.

واژگان کلیدی: کیفیت زندگی شهری، تحلیل مؤلفه‌های اصلی، استان مازندران، استان گیلان.

* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد خانم سپیده عظیمی در رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری به راهنمایی نویسنده اول در دانشکده جغرافیا دانشگاه تهران می‌باشد.

مقدمه

در فاصله سال‌های ۱۹۵۰ تا ۲۰۱۸، جمعیت شهری جهان با نرخ رشد سالانه ۲/۵۴ درصد از حدود ۰/۸ میلیارد نفر به ۴/۲ میلیارد نفر افزایش یافته است. در پی این فرایند شتابان شهرنشینی، برای اولین بار در سال ۲۰۰۷، جمعیت شهری جهان از جمعیت روستایی پیشی گرفت؛ انتظار می‌رود، فرایند شهرنشینی همچنان ادامه یافته و جمعیت شهری جهان در سال ۲۰۳۰ به حدود ۵/۱۷ میلیارد نفر افزایش یابد (United Nations, 2019:9). کره زمین اکنون در حال تبدیل شدن به سیاره‌ای از شهرها است. تأثیرات مثبت شهرها به‌خصوص بر توسعه اقتصادی جوامع، مهم‌ترین دلیل تمرکز فزاینده جمعیت جهان در شهرها است. تمرکز بالای انسان‌ها در شهرها، فرصت‌های بیشتری برای تولید و مصرف، تعامل و ارتباط، یادگیری و اشتراک‌گذاری، پرورش تفکر خلاق، تخصصی شدن تولید و خدمات، خلق سرریز دانش و توسعه ایده‌ها و فن‌آوری‌های نوین ایجاد می‌کند. بنابراین، شهرها عامل اصلی تحولات و پیشرفت‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، فن‌آوری و سیاسی در جهان معاصر هستند (Zhang, 2016:243). باوجود نقش و جایگاه بی‌بدیل شهرها در رشد و توسعه اقتصادی، افزایش بهره‌وری و تقویت مشارکت اجتماعی، اغلب شهرهای جهان با مشکلاتی از قبیل پراکنده رویی، شهری شدن فقر، بیکاری، مسکن نامناسب، بالا بودن هزینه‌های زندگی، جرم و جنایت و ناامنی، جدایی‌گزینی فضایی، ضعف زیرساخت‌ها، ظرفیت مالی ضعیف، حکمروایی شهری نامطلوب، نابرابری‌های مکانی و جنسیتی و کیفیت نامطلوب محیطی روبرو بوده و کیفیت زندگی ساکنان شهرها را تحت تأثیر قرار داده است (منصوریان، ۱۳۹۵: ۶۱۴). مطالعه کیفیت زندگی در شهرها و تحلیل عوامل مؤثر بر آن، موردتوجه محققان رشته‌های گوناگون علمی از قبیل اقتصاد، جامعه‌شناسی، جغرافیا، پزشکی، مدیریت و روان‌شناسی قرار گرفته است. کیفیت زندگی، مفهومی پیچیده، چندبعدی و در ارتباط با شرایط و وضعیت جمعیت در یک مقیاس جغرافیایی خاص است که هم وابسته به ابعاد ذهنی و کیفی و هم در ارتباط با ابعاد عینی و کمی است. شاخص‌های ذهنی کیفیت زندگی از پیمایش ادراکات، ارزیابی‌ها و رضایت ساکنین از زندگی شهری به دست می‌آیند، درحالی‌که شاخص‌های عینی مربوط به حقایق قابل مشاهده هستند که غالباً از داده‌های ثانویه استخراج می‌شوند (Rezvani et al, 2013:204). در حوزه مطالعات کیفیت زندگی، یکی از موضوعاتی که کمتر موردتوجه محققان قرار گرفته است، اندازه شهر و تأثیر آن بر کیفیت زندگی ساکنان مناطق شهری هست.

نتایج مطالعات در کشورهای توسعه‌یافته نشان می‌دهد که زندگی در شهرهای بزرگ و بسیار متراکم، ابعاد عاطفی و شناختی بهزیستی ذهنی را کاهش می‌دهد (Morrison, 2007:74). به‌طور مثال، در مطالعه شهرهای آمریکایی بین سال‌های ۱۹۷۲ تا ۲۰۰۸، پایین‌ترین سطوح شادکامی در شهرهای بزرگ مرکزی و بالاترین سطوح شادکامی در شهرهای کوچک و روستا شهرها مشاهده شد (Berry & Okulicz-Kozaryn, 2012). موریسن (۲۰۱۱) با مطالعه کیفیت زندگی در شهرهای نیوزیلند نشان داد که رشد پرجمعیت‌ترین شهرها، با کاهش در شاخص‌های بعد ذهنی کیفیت زندگی شهری همراه است. بررتن و همکاران^۱ (۲۰۰۸) با مطالعه بهزیستی ذهنی در ایرلند به این نتیجه دست یافتند که رضایت از زندگی در شهر دبلین در مقایسه با سایر سکونتگاه‌های کشور ایرلند، در سطح پایین‌تری قرار دارد (Brereton et al, 2008:387). با این حال، شواهد تجربی از کشورهای کمتر توسعه‌یافته، الگویی معکوس را نشان می‌دهد؛ میزان رضایت از شاخص‌های ذهنی کیفیت زندگی در مناطق بزرگ شهری، بالاتر از میزان رضایت در شهرهای کوچک است. تحلیل بری و کزارینس^۲ (۲۰۰۹) بر روی داده‌های پیمایش ارزش‌های جهانی برای ۸۱ کشور بین سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۴ نشان داد که در بسیاری از مناطق آسیا که در حال تجربه کردن رشد شهری شتابان هستند، رضایت از

1Morrison

2 Brereton, Clinch, and Ferreira

3 Berry and Okulicz-Kozaryn's

زندگی در شهرهای بزرگ در بالاترین سطح قرار دارد (Berry & Okulicz-Kozaryn, 2012: S17). با این حال، نتایج مطالعات چن و همکاران (۲۰۱۸) نشان می‌دهد که نابرابری درآمدی به عنوان یکی از شاخص‌های عینی کیفیت زندگی، در شهرهای بزرگ چین در مقایسه با شهرهای کوچک‌تر، بیشتر است (Chen et al, 2018: 42). با وجود محدود بودن مطالعات مربوط به اندازه شهر و کیفیت زندگی، نتایج نشان از الگویی معکوس در رابطه میان کیفیت زندگی و اندازه شهر در سطح کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه دارد. در کشورهای توسعه‌یافته، شهرهای بزرگ، کیفیت زندگی پایین‌تر و شهرهای کوچک‌تر، کیفیت زندگی بالاتری را در بعد ذهنی عرضه می‌کنند. این الگو در کشورهای در حال توسعه، معکوس بوده و شهرهای بزرگ‌تر، کیفیت زندگی بهتر و شهرهای کوچک‌تر، کیفیت زندگی پایین‌تری را در بعد ذهنی دارا می‌باشند. با این حال، نکته اصلی در این مطالعات، توجه آن‌ها، تنها به یکی از ابعاد عینی و یا ذهنی کیفیت زندگی بوده است. هنوز مطالعه‌ای که هم‌زمان ارتباط دو بعد عینی و ذهنی کیفیت زندگی را با اندازه شهر مورد بررسی قرار دهد، مشاهده نشده است. علاوه بر این، رابطه میان اندازه شهر و کیفیت زندگی در ایران هنوز بررسی نشده است. بر این اساس، هدف مطالعه حاضر، بررسی رابطه میان اندازه شهر و کیفیت زندگی در دو بعد عینی و ذهنی در ایران است. برای دستیابی به هدف تحقیق، سکونتگاه‌های شهری دو استان گیلان و مازندران به دلیل همگنی نسبی در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و محیطی انتخاب شده است.

مبانی نظری

مطالعات مربوط به اندازه شهر، ریشه در اندیشه‌های افلاطون و ارسطو دارد. با این حال، با توجه به رشد شتابان جمعیت شهری، موضوع اندازه شهر از دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ مورد توجه جدی محققان در دو حوزه اقتصاد و جغرافیا قرار گرفت (ببینید: Stewart, 1958; Berry, 1961, 1964; Parr, 1970; Alonso, 1971; Richardson, 1972; Evans, 1974; Singell, 1974; Hendersson, 1974). به دنبال طرح موضوع «جغرافیای اقتصادی نوین» توسط کروگمن^۱ در سال ۱۹۹۱، علاقه به مطالعه اندازه شهرها، مجدداً در مدار توجه اقتصاددانان و جغرافیدانان قرار گرفت (ببینید: Bosker et al, 2008; Berry & Okulicz-Kozaryn, 2012; Buettner & Holm-Hadulla, 2013; Zhou et al, 2013; Giesen & Suedekum, 2014; Luckstead & Devadoss, 2014; Veneri, 2016; Desmet & Rappaport, 2017; Luckstead et al, 2017; Modica, 2017; Mitra & Nagar, 2018; Arshad et al, 2018). اندازه شهر معمولاً به جمعیت شهری اشاره دارد و مطالعات مربوط به آن در دو گروه قابل دسته‌بندی است. دسته نخست، بر اندازه یک شهر منفرد تأکید دارد و دسته دوم، بر توزیع و ارتباط کمی شهرهای بزرگ و کوچک در یک منطقه، متمرکز است (Zhou et al, 2013: S51; Henderson & Wang, 2007: 285). بر اساس دیدگاه نخست، مفهوم اندازه بهینه شهر و بر اساس دیدگاه دوم، نظام شهری و به دنبال آن قاعده‌مندی‌های کلی همچون توزیع پارتو^۲، قاعده زیپف^۳ و قاعده گیلبرت^۴ مطرح شده است (Berry & Okulicz-Kozaryn, 2012: S18). تاریخچه کیفیت زندگی به فیلسوفانی مانند ارسطو (۳۸۴-۳۲۲ پیش از میلاد) بازمی‌گردد که در مورد «زندگی خوب»، «خوب زندگی کردن» و اینکه چگونه سیاست عمومی می‌تواند آن را پرورش دهد، نوشته‌اند (Serag EL Din et al, 2013: 87). در دهه ۱۹۳۰، اولین مطالعات تخصصی در زمینه کیفیت زندگی شهری انجام شد. در آن زمان، کیفیت زندگی توسط اقتصاددانان در جهت بررسی پیامدهای رشد اقتصادی استفاده می‌شد. این مفهوم

1 New Economic Geography

2 Krugman

3 Pareto distribution

4 Zipf's Law

5 Gibrat's Law

بعد از جنگ جهانی دوم به منظور ارزیابی پیامدهای ناشی از جنگ رونق یافت و هم‌زمان با رشد شهرنشینی و جهانی‌شدن، پیشرفت کرد. در دهه ۱۹۶۰، هم‌زمان با رونق گرفتن مطالعات کیفیت زندگی، این مفهوم از دیدگاه روانشناسی و محیط‌زیستی بررسی می‌شد. سپس در دهه ۱۹۷۰، جغرافیدانان به مطالعه تفاوت‌های فضایی در زمینه شاخص‌های اجتماعی کیفیت زندگی پرداختند و بر شاخص‌های فردی کیفیت زندگی مانند درآمد، اشتغال، سلامت فیزیکی و روانی، آموزش، اوقات فراغت تمرکز کردند (Kladivo et al, 2012: 49). دیوید هاروی از جمله جغرافیدانانی است که در این دهه با انتشار چهارمقاله در زمینه کیفیت زندگی به مقوله خوراک، مسکن، خدمات بهداشتی، تحصیلات، خدمات اجتماعی و خدمات مربوط به محیط‌زیست، کالاهای مصرفی، تأسیسات تفریحی، دلپذیری محله و وسایل حمل‌ونقل پرداخت (نیازی و خراسانی، ۱۳۹۱: ۲۰۵). بعدها با گسترش مفهوم کیفیت زندگی در سطح جهان، سازمان‌های بین‌المللی همچون WHO، UNESCO، OECD به تدریج تا اواخر قرن بیستم بر مطالعاتشان در این زمینه افزودند و تاکنون مطالعات بسیار زیادی در زمینه کیفیت زندگی در بسیاری از کشورهای دنیا انجام شده است.

به سبب چندبعدی بودن مفهوم کیفیت زندگی، کاربرد آن در حوزه‌های حرفه‌ای متفاوت چون پزشکی، روان‌شناسی، جغرافیا، اقتصاد و جامعه‌شناسی و سطح تحلیل آن که می‌تواند مربوط به عاملان، فرایندها، موقعیت‌ها و یا ساختارها باشد، تعریف جامع و پذیرفته‌شده‌ای در مورد کیفیت زندگی وجود ندارد (فتاحی و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۶). با این حال، در میان تعاریف ارائه‌شده، تعریفی که سازمان بهداشت جهانی مطرح کرده است، بیشتر مورد پذیرش قرار گرفته است. طبق تعریف سازمان بهداشت جهانی «کیفیت زندگی، درک افراد از موقعیت‌شان در زندگی در چهارچوب نظام‌های فرهنگی و ارزشی که در آن زندگی می‌کنند، است و با اهداف، توقعات، استانداردها و دغدغه‌های آن‌ها ارتباط دارد. این مفهوم بسیار گسترده است و از طریق روش‌های پیچیده‌ای تحت تأثیر سلامت فیزیکی، وضعیت روانی، میزان استقلال، روابط اجتماعی، اعتقادات شخصی یک فرد و ارتباط آن‌ها با جنبه‌های مهم محیط‌زیستش قرار می‌گیرد» (WHOQOL, 1998: 1). بنابراین، تعریف سازمان بهداشت جهانی از کیفیت زندگی، تعریفی چندبعدی است و بسیاری از ویژگی‌های فیزیکی، ذهنی، اعتقادی، فرهنگی، اجتماعی و محیطی یک فرد را در نظر می‌گیرد.

ابهام مفهومی در مورد کیفیت زندگی باعث شده است که گاهی از واژه‌هایی همچون بهزیستی، بهزیستی ذهنی و شادکامی به جای کیفیت زندگی استفاده شود. در مورد ارتباط دو مفهوم کیفیت زندگی و بهزیستی نظرات مختلفی وجود دارد. برخی از محققان، این دو واژه را مترادف و قابل جایگزین با یکدیگر می‌دانند (Galloway et al, 2006: 34). بنا به گفته دینر^۱ (۲۰۰۶)، کیفیت زندگی فقط توصیفی از موقعیت زندگی افراد است و عکس‌العمل آن‌ها نسبت به وضعیت زندگی‌شان را شامل نمی‌شود، این در حالی است که بهزیستی به ارزیابی‌های مثبت و منفی که انسان‌ها در مورد زندگی خود دارند، اشاره دارد. با این حال، در اکثر مدل‌ها، محققین بهزیستی را به‌عنوان یک مفهوم مرتبط با کیفیت زندگی در نظر می‌گیرند (Galloway et al, 2006: 33). بعضی از محققین همچون گاسپر^۲ (۲۰۰۷)، اسکات^۳ (۲۰۱۲) معتقدند که مفهوم کیفیت زندگی از اجزای متفاوتی تشکیل شده است که اصطلاح بهزیستی یکی از اجزای آن است. بنا به گفته گاسپر (۲۰۰۷) اصطلاح بهزیستی بیشتر برای دستیابی به تجزیه و تحلیل در سطح فردی استفاده می‌شود، این در حالی است که کیفیت زندگی اجازه می‌دهد تا در مورد یک قلمرو یا جامعه نتیجه‌گیری شود؛ به همین دلیل است که از مفهوم بهزیستی بیشتر در روان‌شناسی و از مفهوم کیفیت زندگی در سیاست‌گذاری‌های عمومی استفاده می‌کنند. در واقع، کیفیت زندگی از

1 The United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization

2 The World Health Organization

3 The Organisation for Economic Co-operation and Development

4 Diener

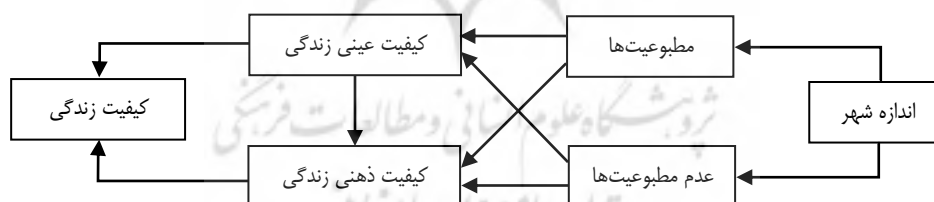
5 Gasper

6 Scott

ترکیب عوامل عینی که نشان‌دهنده زندگی انسان‌هاست و بازتاب‌های ذهنی افراد، تشکیل می‌شود (Sores et al, 2015:811). امروزه یکی از موضوعاتی که توجه محققان زیادی را به خود جلب کرده است، بحث بهزیستی ذهنی است که برای آن در بسیاری از کشورها شاخص‌های ملی تهیه می‌شود. بهزیستی ذهنی یک ساختار واحد نیست؛ مردم می‌توانند سطح بالایی از بهزیستی را داشته باشند اگر (۱) احساس رضایت از شرایط زندگی خود بکنند (بهزیستی شناختی)، (۲) غالباً احساس خوبی را تجربه کنند (بهزیستی عاطفی)، (۳) احساس کنند که در حال بهبود بخشیدن به کیفیت زندگی‌شان هستند (بهزیستی موفقیت) (Morrison, 2007:78). بهزیستی ذهنی، قضاوت شخصی افراد در مورد بهزیستی‌شان است. این مفهوم ابعادی همچون رضایت از زندگی، معنی زندگی و دانش فردی را در برمی‌گیرد و به «شادکامی» و «رضایت از زندگی» افراد اهمیت زیادی می‌دهد. بهزیستی ذهنی دارای سه جز است: (۱) تأثیر خوشایند، (۲) تأثیر ناخوشایند، و (۳) رضایت‌مندی (Phillips, 2006:18). بهزیستی ذهنی نقاط ضعف و نقاط قوتی دارد. از نقاط قوت آن می‌توان به اهمیت دادن به «رضایت از زندگی» و «شادکامی» افراد اشاره کرد، از نقاط ضعف هم می‌توان به نادیده گرفتن حقایق عینی و قابل‌اندازه‌گیری و توجه مطلق به قضاوت ذهنی افراد اشاره کرد. به همین دلیل، این مفهوم نمی‌تواند به‌عنوان معیاری کامل برای درک کیفیت زندگی مورد استفاده قرار گیرد. برخی محققان معتقدند که بهزیستی ذهنی بسیار دموکراتیک است، زیرا به مردم این امکان را می‌دهد که به‌جای تمرکز بر اقداماتی که در مورد کیفیت زندگی توسط متخصصین انجام می‌شود، احساس خودشان را درباره زندگی مورد توجه قرار دهند و زندگی‌شان را قضاوت کنند (Phillips, 2006:18). یکی از مفاهیم مهم در بهزیستی ذهنی، مفهوم «تطابق محیطی» است. تطابق محیطی به این معنی است که هرچه قدر افراد از لحاظ فرهنگی، با محیطی که در آن زندگی می‌کنند، تطابق و همخوانی بیشتری داشته باشند، بهزیستی ذهنی بهتری دارند. در واقع هر چه قدر که بین شخص و محیط تطابق بیشتری وجود داشته باشد، افراد قضاوت‌های بهتری خواهند داشت (Morrison et al, 2018:328). شادکامی، آرامش نسبی کوتاه‌مدت را منعکس می‌کند (Marans et al, 2011:8). جغرافی دانان کیفیت زندگی را در مقیاس‌های مختلف ارزیابی می‌کنند. با توجه به گسترش شهرنشینی و افزایش بی‌سابقه جمعیت شهرها، یکی از مهم‌ترین مقیاس‌های ارزیابی کیفیت زندگی در سطح شهرها هست. باگذشت زمان، مطالعات کیفیت زندگی شهری به ابزاری مهم برای برنامه‌ریزی و مدیریت شهرهای پایدار و زیست پذیر تبدیل شده است. امروزه نتایج حاصل از مطالعات کیفیت زندگی شهری، برای اهدافی همچون ارزیابی سیاست‌ها، رتبه‌بندی مکان‌ها، برنامه‌ریزی شهری و تدوین استراتژی‌های مدیریتی استفاده می‌شوند (Tuan Seik, 2000:1). از نظر سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و مدیران شهری، اصطلاح کیفیت زندگی شهری تنها برای توصیف برخی از ویژگی‌های فیزیکی مورد استفاده قرار نمی‌گیرد، بلکه تمامی ارتباطات، پویایی‌ها و روابط شبکه‌ای که بین ویژگی‌های فیزیکی وجود دارد را توصیف می‌کند. بنابراین، تعریف کیفیت زندگی شهری بیشتر از اینکه خطی و بسیار ابتدایی باشد، به صورت شبکه‌ای و بسیار پیچیده است (Serang El Din et al, 2013:87). بیالوولسکا (۲۰۱۶) معتقد است علاوه بر ویژگی‌های فیزیکی، اجتماعی، محیطی و اقتصادی، ویژگی‌های سازمانی که شامل کیفیت خدمات دولتی و حاکمیت قانون می‌باشند، به‌عنوان عواملی تأثیرگذار بر کیفیت زندگی، رفاه و خوشبختی هستند (Weziak-Bialowolska, 2016: 88). با بررسی تعاریف، شاخص‌ها و مدل‌های ارائه‌شده می‌توان به این نتیجه رسید که کیفیت زندگی مفهومی پیچیده است و دارای ویژگی‌هایی همچون چندبعدی بودن، بین‌رشته‌ای بودن، نسبی بودن و تأثیرپذیری از زمان، مکان، ارزش‌ها و فرهنگ هست. کیفیت زندگی دو بعد اصلی عینی و ذهنی دارد و در قلمروهای متفاوتی ارزیابی می‌شود. بعد عینی نشان‌دهنده واقعیات زندگی یک فرد همچون میزان درآمد و اشتغال است و بعد ذهنی نشان‌دهنده برداشت ذهنی فرد و احساسات او نسبت به شرایط زندگی‌اش هست.

در ادبیات جغرافیای اقتصادی نوین، بده بستان میان بازده‌های افزایشی و هزینه‌های جابجایی، مهاجرت و افزایش

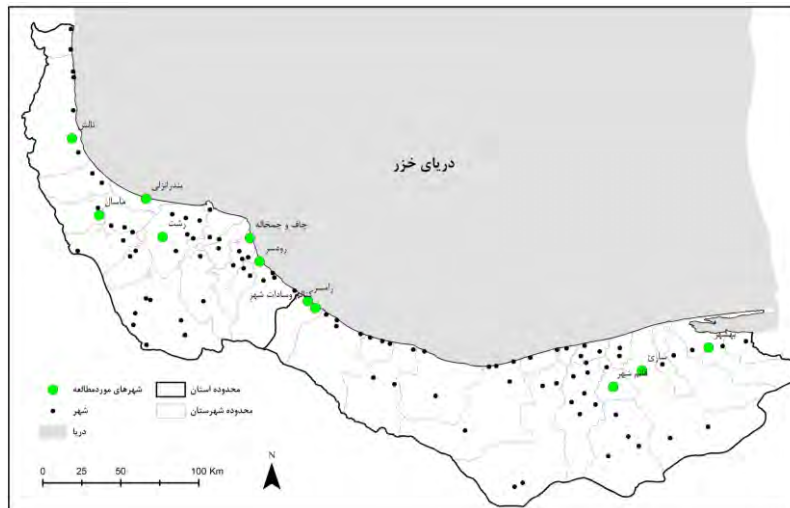
جمعیت را در شهرها ترغیب می‌کند. نتایج مطالعات گوناگون نشان می‌دهند که شهرهای بزرگ به واسطه صرفه‌های ناشی از تجمع، بهره‌وری بالاتر و دستمزدهای بیشتری را برای نیروی کار در مقایسه با شهرهای کوچک فراهم می‌سازند. افزایش درآمد می‌تواند منجر به بهبود استانداردهای زندگی و سرمایه‌گذاری بیشتر در شرایط سکونتی و امکانات اساسی شود. با این حال، هزینه بالای زمین، مشکل دسترسی به مسکن، هزینه بالای حمل‌ونقل و مشکلات متعدد دیگری با گسترش شهرها فراتر از یک آستانه خاص، رخ می‌دهد. بنابراین، نمی‌توان ادعا نمود که بهره‌وری به صورت خطی با اندازه شهر، افزایش می‌یابد. در واقع، رابطه میان اندازه شهر و بهره‌وری به صورت منحنی U شکل معکوس خود را نشان می‌دهد. رشد اقتصادی در آغاز با تمرکز جغرافیایی، افزایش می‌یابد و سپس به سبب عدم صرفه‌های ناشی از تجمع، روندی نزولی می‌یابد. بنابراین، اگرچه شرایط زندگی، آموزش، تسهیلات بهداشتی و خدمات اجتماعی در شهرهای بزرگ دارای وضعیت بهتری هست؛ با این حال، قیمت بالای زمین و مسکن، هزینه‌های زندگی، ازدحام و آلودگی در مقایسه با شهرهای کوچک‌تر، بسیار بالا است و بهره‌وری را در شهرهای بزرگ کاهش می‌دهد (Mitra & Nagar, 2018: 275). با افزایش جمعیت شهر، حجم فعالیت‌های انسانی که به طور مستقیم و غیرمستقیم مشکلات محیطی از قبیل آلودگی هوا در شهر را به همراه دارد، افزایش می‌یابد (Fenger, 2009: 14). اندازه شهر از طریق مجموعه‌ای وسیع و متنوع از مطبوعیت‌ها و عدم مطبوعیت‌ها، کیفیت زندگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. ساکنان شهرهای بزرگ از اثرات نامطلوب ازدحام، آلودگی، جرم و جنایت، سروصدا، مسکن گران، رفت‌وآمد طولانی و پراسترس رنج می‌برند؛ با این حال، ساکنان شهرهای بزرگ از امتیازات خاصی همچون دسترسی به طیف گسترده‌ای از کالاها و خدمات بسیار تخصصی و فرصت‌های فرهنگی، تفریحی، آموزشی و شغلی برخوردار هستند که هم‌تایان خود در شهرهای کوچک‌تر یا مناطق روستایی از آن برخوردار نیستند (Clark et al, 1988: 701). بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که اگرچه از برخی جنبه‌های خاص، کیفیت زندگی با افزایش اندازه شهر رو به وخامت می‌گذارد، از جهات دیگر ممکن است کیفیت زندگی با افزایش اندازه شهر، بهبود یابد (شکل ۱).



شکل شماره ۱. مدل مفهومی تحقیق

محدوده مورد مطالعه

محدوده مورد مطالعه در پژوهش حاضر، سکونتگاه‌های شهری دو استان گیلان و مازندران است. در تحلیل بعد عینی کیفیت زندگی، ۸۰ سکونتگاه شهری با جمعیت بالای ۵ هزار نفر و برای تحلیل بعد ذهنی کیفیت زندگی ۶ شهر انزلی، تالش، چاف و چم خاله، رشت، رودسر و ماسال در استان گیلان و ۵ شهر ساری، بهشهر، قائم‌شهر، کنالیم و سادات‌شهر و رامسر در استان مازندران مورد مطالعه قرار گرفته است (شکل ۲).



شکل شماره ۲. موقعیت جغرافیایی منطقه مورد مطالعه

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی است و با توجه به ماهیت هدف‌گذاری و ابزارهای دستیابی به این اهداف، از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی استفاده کرده است. این پژوهش عمدتاً مبتنی بر داده‌های اولیه حاصل از پیمایش خانوارها در ۱۱ شهر در دو استان گیلان و مازندران هست. داده‌های عینی از سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ و داده‌های ذهنی از طریق پرسش‌نامه محقق ساخته در طی دوره زمانی ۱۹ روزه از ۲۱ مهر تا ۱ آبان ۱۳۹۷ (۱۱ روز) در استان گیلان و ۱۲ آبان تا ۱۹ آبان ۱۳۹۷ (۸ روز) در استان مازندران جمع‌آوری شده است. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل افراد ساکن در مناطق شهری استان‌های گیلان و مازندران است. به منظور تعیین نمونه مورد مطالعه، ابتدا شهرهای این دو استان در طبقات مختلف جمعیتی دسته‌بندی شده و سپس بر اساس عامل جمعیت و ویژگی‌های محیطی (جلگه‌ای، دشتی، کوهستانی)، ۶ شهر انزلی، تالش، چاف و چم خاله، رشت، رودسر و ماسال در استان گیلان و ۵ شهر ساری، بهشهر، قائم‌شهر، کتالم و سادات‌شهر و رامسر در استان مازندران انتخاب شد. در مرحله بعد، در هر کدام از این ۱۱ شهر، بر اساس فرمول کوکران و محدودیت‌های زمانی و مالی تحقیق، حجم نمونه مورد مطالعه انتخاب شد (جدول ۱). در هر کدام از شهرهای مورد مطالعه، نمونه‌گیری به صورت تصادفی ساده انجام پذیرفته است.

جدول شماره ۱. تعداد نمونه مورد مطالعه در شهرهای منتخب

شهر	حجم جامعه	حجم نمونه
انزلی	۱۱۸۵۶۴	۹۷
تالش	۵۴۱۷۸	۸۳
چاف و چم خاله	۸۸۴۰	۴۳
رشت	۶۷۹۹۵	۱۱۱
رودسر	۳۷۹۹۸	۷۱
ماسال	۱۷۹۰۱	۵۶
بهشهر	۹۴۷۰۲	۹۵
ساری	۳۰۹۸۲۰	۱۱۱
قائم‌شهر	۲۰۴۹۵۳	۹۸
کتالم و سادات‌شهر	۲۰۷۱۶	۵۷
رامسر	۳۵۹۹۷	۷۲
مجموع	۱۵۸۳۶۶۴	۸۹۴

پرسش نامه متشکل از ۴۵ سؤال در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، محیطی و کالبدی هست. در بخش اول پرسش نامه به منظور تحلیل وضعیت محدوده مورد مطالعه بر اساس شاخص های کیفیت زندگی از ۳۵ سؤال بسته با پاسخ هایی در طیف لیکرت ۵ مقیاسی شامل خیلی راضی (۵)، نسبتاً راضی (۴)، نه راضی، نه ناراضی (۳)، نسبتاً ناراضی (۲)، خیلی ناراضی (۱) استفاده شده است. در بخش دوم پرسش نامه، حدود ۱۰ سؤال در مورد ویژگی های فردی و خانوادگی پاسخ دهنده مطرح شده است. معرف های مورد استفاده به منظور سنجش کیفیت ذهنی زندگی در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول شماره ۲. معرف ها مورد استفاده برای سنجش کیفیت ذهنی زندگی در محدوده مورد مطالعه

ابعاد	معرف ها
امکانات و خدمات	حمل و نقل عمومی، خدمات بهداشتی - درمانی، امکانات تفریحی، امکانات فرهنگی، دسترسی به مغازه های خرده فروشی، مدارس و دیگر امکانات آموزشی، خدمات امنیت عمومی، خدمات اداری، جمع آوری و دفع زباله، سیستم تخلیه فاضلاب و آب های سطحی
اجتماعی	آرامش و خلوتی شهر، وضعیت سلامت خود و خانواده، روابط با همسایه ها، رضایت از زندگی، احساس تعلق، احساس امنیت، اعتماد به اهالی، اعتماد به سازمان های شهری، رشد و شکوفایی بچه ها
اقتصادی	وضعیت شغلی، وضعیت مالی خانواده، فرصت های شغلی، حضور گردشگران، دسترسی به مسکن
محیطی	کیفیت مسکن، وضعیت خیابان ها، فضاهای سبز و پارک ها، فضاهای عمومی، کیفیت هوا، نظافت و پاکیزگی خیابان ها، کوچه ها و پیاده روهای شهر، کیفیت آب آشامیدنی، روشنایی معابر در شب، زیبایی و دلپذیر بودن شهر

منبع: (Marans & Stimson, 2011; Lenzy & Perucca, 2016; Rezvani et al, 2013)

به منظور سنجش اعتبار درونی، ابتدا از روش اعتبار محتوا برای افزایش اعتبار پرسش نامه استفاده شده است. در این روش، با استفاده از مقیاس های آزمون شده در پژوهش های مرتبط و نظرخواهی از استادان و کارشناسان، گام اول برداشته شد. سپس پرسش نامه تدوین شده طی دو مرحله مقدماتی و نهایی پر شد و با بررسی پاسخ های به دست آمده از ۳۰ پرسش نامه و انجام محاسبات آماری مناسب، پرسش نامه نهایی تدوین گردید. به منظور سنجش پایایی ابزار تحقیق از آلفای کرونباخ استفاده شد که مقدار آن در تحقیق حاضر برای پرسش نامه برابر ۰.۸۹۴ بوده است. از آمار توصیفی شامل درصد ها، میانگین و انحراف استاندارد برای خلاصه سازی نتایج پیمایش شد. آزمون آماری T تک نمونه ای برای مقایسه میانگین ها و تحلیل وضعیت کیفیت زندگی از نظر ساکنان محلی استفاده شده است. برای شناسایی ابعاد ذهنی کیفیت زندگی از تحلیل عاملی و به منظور بررسی ارتباط میان ابعاد عینی و ذهنی کیفیت زندگی با اندازه شهر، از تحلیل همبستگی استفاده شد.

بحث و یافته ها

ارتباط میان اندازه شهر و شاخص های عینی کیفیت زندگی

به منظور بررسی ارتباط میان اندازه شهر و شاخص های بعد عینی کیفیت زندگی از نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ استفاده شد. اندازه شهر در این مطالعه معادل جمعیت شهر در سال ۱۳۹۵ است. ارتباط میان اندازه شهر و کیفیت زندگی در بعد عینی برای ۸۰ شهر بالای ۵ هزار نفر در دو استان گیلان و مازندران بررسی شده است. نتایج به دست آمده نشان می دهد که میانگین عمر واحدهای مسکونی دارای رابطه معنادار و منفی با اندازه شهر هست. شهرهای بزرگ تر، دارای نسبت بیشتری از واحدهای مسکونی نوساز و با عمر کمتر می باشند و در مقابل شهرهای کوچک تر، دارای نسبت بیشتری از واحدهای مسکونی با قدمت بالاتر هستند. میانگین مساحت واحدهای مسکونی دارای رابطه معناداری با اندازه شهر نمی باشد. با این حال، شاخص پایداری فیزیکی مسکن دارای رابطه مثبت و معناداری با اندازه شهر است.

به عبارت دیگر، شهرهای بزرگ‌تر، دارای نسبت بالاتری از واحدهای مسکونی مقاوم بوده و شهرهای کوچک‌تر، نسبت کمتری از ساختمان‌های مقاوم را در خود جای داده‌اند (جدول ۳). ارتباط میان دسترسی به شبکه عمومی فاضلاب و اندازه شهر، مثبت و معنادار است؛ به طوری که شهرهای بزرگ‌تر، دسترسی بیشتری به شبکه عمومی فاضلاب داشته و با کوچک‌تر شدن شهرها، نرخ دسترسی به شبکه عمومی فاضلاب کاهش یافته است. دسترسی به امکانات و تسهیلاتی همچون آشپزخانه، حمام، توالی، برق، آب آشامیدنی لوله‌کشی و گاز لوله‌کشی دارای رابطه مثبتی با اندازه شهر است؛ اما این رابطه معنادار نیست. هرچند که در شهرهای بزرگ‌تر، دسترسی بیشتری به امکانات و تسهیلاتی همچون برق، آب‌لوله‌کشی و گاز لوله‌کشی وجود دارد، با این حال، در شهرهای کوچک‌تر نیز دسترسی به این امکانات مناسب است و اختلاف چندانی با شهرهای بزرگ ندارد (جدول ۳). نرخ طلاق، رابطه‌ای مثبت و معنادار را با اندازه شهر نشان می‌دهد. در شهرهای بزرگ‌تر، نرخ بالاتری از طلاق و در شهرهای کوچک‌تر، نرخ پایین‌تری از طلاق به ثبت رسیده است. رابطه معناداری میان شاخص سالخوردگی و اندازه شهر تأیید نشد. با این حال، میان نرخ باسوادی و اندازه شهر، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. با بزرگ‌تر شدن شهرها، نرخ باسوادی افزایش یافته و با کوچک‌تر شدن شهرها، نرخ باسوادی کاهش یافته است. علاوه بر این، میان دو شاخص اندازه شهر و نرخ بیکاری، رابطه معناداری مشاهده نشد (جدول ۳). اندازه شهر، دارای رابطه‌ای منفی و معنادار با دو شاخص نرخ شناوری جمعیت محصل و نرخ شناوری جمعیت شاغل است. به عبارت دیگر، در شهرهای بزرگ‌تر، به سبب فراوانی امکانات آموزشی و وجود فرصت‌های شغلی، جمعیت کمتری برای تحصیل و کار به سایر شهرهای مجاور به صورت روزانه جابجا می‌شود؛ اما در شهرهای کوچک‌تر، نسبت بیشتری از ساکنان برای تحصیل و کار به صورت روزانه در حال آمدوشد به شهرها و یا روستاهای مجاور هستند (جدول ۳).

جدول شماره ۳. تحلیل همبستگی میان اندازه شهر و شاخص‌های عینی کیفیت زندگی

متغیرها	ضریب همبستگی	سطح معناداری	تعداد نمونه
میانگین عمر واحد مسکونی	-۰/۲۳۷	۰/۰۳۵	۸۰
میانگین مساحت واحد مسکونی	۰/۱۴۷	۰/۱۹۳	۸۰
اسکلت پایدار	۰/۲۲۵	۰/۰۴۴	۸۰
دسترسی به شبکه عمومی فاضلاب	۰/۲۷۸	۰/۰۱۳	۸۰
دسترسی به آشپزخانه، حمام، توالی	۰/۱۷۶	۰/۱۱۸	۸۰
دسترسی به برق	۰/۱۴۶	۰/۱۹۶	۸۰
دسترسی به آب آشامیدنی لوله‌کشی	۰/۰۲۵	۰/۸۲۵	۸۰
دسترسی به گاز لوله‌کشی	۰/۱۰۹	۰/۳۳۷	۸۰
نرخ طلاق	۰/۲۹۵	۰/۰۰۸	۸۰
نرخ سالخوردگی	-۰/۰۹۱	۰/۴۲۰	۸۰
نرخ باسوادی	۰/۳۷۱	۰/۰۰۱	۸۰
نرخ بیکاری	-۰/۰۱۵	۰/۸۹۸	۸۰
جمعیت محصل شناور	-۰/۳۶۱	۰/۰۰۱	۸۰
جمعیت شاغل شناور	-۰/۲۳۹	۰/۰۳۳	۸۰
تراکم خانوار در واحد مسکونی	-۰/۱۵۳	۰/۱۷۵	۸۰

ارتباط میان اندازه شهر و شاخص‌های ذهنی کیفیت زندگی

به منظور تحلیل بعد ذهنی کیفیت زندگی، با در نظر گرفتن جمعیت و توزیع فضایی شهرها، ۱۱ شهر در دو استان گیلان و مازندران انتخاب شد. در شهرهای مورد مطالعه، ۸۹۴ نفر به عنوان حجم نمونه مورد مطالعه قرار گرفت. وضعیت پاسخگویان برحسب جنسیت نشان می‌دهد که ۴۴ درصد (۳۹۳ نفر) پاسخگویان زن و ۵۶ درصد (۵۰۱ نفر) پاسخگویان مرد می‌باشند. در نمونه مورد مطالعه، افراد متأهل حدود ۵۶ درصد (۵۰۱ نفر) و افراد مجرد حدود ۴۴ درصد (۳۹۱ نفر) از

پاسخگویان را شامل می‌شوند. بررسی افراد نمونه برحسب وضعیت شغلی نشان می‌دهد که حدود ۷۳۸ نفر از پاسخگویان (۸۲٪/۶) شاغل و ۱۵۶ نفر (۱۷٪/۴) بیکار هستند. بررسی وضعیت تحصیلات نمونه مورد مطالعه نشان می‌دهد که از کل پاسخگویان حدود ۱/۳ درصد آن‌ها بی‌سواد، ۱۸/۸ درصد زیر دیپلم، ۳۰/۴ درصد دیپلم و ۴۸/۲ درصد دارای تحصیلات دانشگاهی می‌باشند. تحلیل نظرات پاسخگویان بر اساس وضعیت مالکیت مسکن نشان می‌دهد که حدود ۷۲/۶ درصد (۶۴۹ نفر) افراد مورد مطالعه، مالک مسکن بوده و در مقابل حدود ۲۳/۴ درصد (۲۰۹) افراد مورد مطالعه مستأجر می‌باشند. حداقل و حداکثر سن در نمونه مورد مطالعه به ترتیب برابر ۱۵ و ۸۴ سال است. میانگین سنی نمونه مورد مطالعه حدود ۳۴/۸۶ سال و انحراف استاندارد آن برابر ۱۴/۳ هست. میانگین بعد خانوار حدود ۳/۸۲ نفر در خانوار و انحراف استاندارد آن برابر ۱/۳ است. علاوه بر این، میانگین مدت‌زمان اقامت پاسخگویان در شهر محل زندگی‌شان حدود ۲۷/۳ سال و انحراف استاندارد آن برابر ۱۶/۷ برآورد شده است.

شاخص‌های ذهنی کیفیت زندگی

نتایج حاصل از تحلیل توصیفی و آزمون T تک‌نمونه‌ای نشان می‌دهد که در اغلب شاخص‌های مورد بررسی، میزان رضایت ساکنان در سطحی بالاتر از میانگین قرار دارد. با این حال، بیشترین میزان رضایت به ترتیب مربوط به معرف‌های کیفیت هوا با ارزش میانگین ۴/۶۷، روابط با همسایه‌ها با ارزش میانگین ۴/۵، دسترسی به مغازه‌های خرده‌فروشی با ارزش میانگین ۴/۳۹، احساس تعلق با ارزش میانگین ۴/۳۹ و جذابیت، زیبایی و دلپذیر بودن شهر با ارزش میانگین ۴/۲ است. پایین‌ترین میزان رضایت پاسخگویان به ترتیب مربوط به معرف‌های دسترسی به امکانات فرهنگی با ارزش میانگین ۲/۴۷، رضایت از وضعیت خیابان‌ها و کوچه‌ها با ارزش میانگین ۲/۵۴، پیدا کردن شغل با ارزش میانگین ۲/۶، پیدا کردن مسکن با قیمت مناسب با ارزش میانگین ۲/۶۱ و سیستم تخلیه فاضلاب با ارزش میانگین ۲/۶۶ است (جدول ۴).

جدول شماره ۴. نتایج آزمون T تک‌نمونه‌ای در مورد شاخص‌های کیفیت زندگی

شاخص	ارزش میانگین	انحراف استاندارد	مقدار T	سطح معناداری
رضایت از حمل‌ونقل عمومی	۳/۵۶	۱/۰۶۴	۱۵/۶۳	۰/۰۰
رضایت از خدمات بهداشتی، درمانی	۲/۷۴	۱/۲۶۵	-۶/۱۶	۰/۰۰
رضایت از امکانات تفریحی، ورزشی	۲/۸۲	۱/۲۸۸	-۴/۲۶	۰/۰۰
امکانات فرهنگی	۲/۴۷	۱/۳۰	-۱۲/۲۳	۰/۰۰
کیفیت مسکن	۳/۰۶	۱/۱۰۱	۱/۵۲	۰/۱۲۹
وضعیت خیابان‌ها و کوچه‌ها	۲/۵۴	۱/۲۷۹	-۱۰/۷۵	۰/۰۰
فضاهای سبز و پارک‌ها	۳/۲۵	۱/۳۴۴	۵/۴۸	۰/۰۰
فضاهای عمومی	۳/۴۷	۱/۲۰۲	۱۱/۶۶	۰/۰۰
دسترسی به مغازه‌های خرده‌فروشی	۴/۳۹	۰/۸۶۳	۴۸/۲۱	۰/۰۰
مدارس و امکانات آموزشی	۳/۵۰	۱/۰۵۶	۱۴/۰۷	۰/۰۰
کیفیت هوا	۴/۶۷	۰/۷۴	۶۷/۲۹	۰/۰۰
آرامش و خلوتی شهر	۳/۶۶	۱/۲۰۹	۱۶/۱۴	۰/۰۰
پاکیزگی خیابان‌ها و کوچه‌ها	۳/۴۱	۱/۲۲۵	۹/۹۷	۰/۰۰
خدمات امنیت عمومی	۳/۴۹	۱/۱۴۹	۱۲/۷۵	۰/۰۰
جمع‌آوری و دفع زباله	۳/۳۱	۱/۲۸۸	۷/۲۴	۰/۰۰
سیستم تخلیه فاضلاب	۲/۶۶	۱/۲۵۴	-۸/۲۲	۰/۰۰
کیفیت آب آشامیدنی	۲/۸۹	۱/۴۰۵	-۲/۳۸	۰/۰۱۸
روشنایی معابر در شب	۳/۵۷	۱/۱۵۵	۱۴/۷۱	۰/۰۰
وضعیت شغلی	۲/۹۵	۱/۳۱۷	-۱/۲۲	۰/۲۲۳

۰/۰۰۱	۳/۲۳	۱/۱۵۸	۳/۱۳	وضعیت مالی خانواده
۰/۰۰	۲۴/۱۸	۱/۰۹۱	۳/۸۸	وضعیت سلامت فرد و خانواده
۰/۰۰	۳۱/۳۷	۱/۰۰۹	۴/۰۵	روابط با همسایه‌ها
۰/۰۰	۲۱/۳۲	۱/۱۰۱	۳/۷۹	زندگی‌تان
۰/۰۰	۲۵/۴۲	۱/۰۹۴	۳/۹۳	جایی که زندگی می‌کنید
۰/۰۰	۲۱/۳۶	۱/۲۱۱	۳/۸۶	رضایت از زندگی در این شهر
۰/۰۰	۳۵/۰۲	۱/۱۳۱	۴/۳۲	احساس تعلق
۰/۰۰	-۲۴/۳۹	۱/۱۵۰	۲/۰۶	پیدا کردن شغل
۰/۰۰	-۹/۴۳	۱/۲۳۷	۲/۶۱	مسکن باقیمت مناسب
۰/۰۰۳	۲/۹۷	۱/۲۵۸	۳/۱۳	کارایی خدمات اداری
۰/۰۰	۲۴/۱۰۵	۱/۰۹۹	۳/۸۹	رضایت از امنیت
۰/۰۰	۷/۲۹	۱/۱۶۱	۳/۲۸	قابل اعتماد بودن مردم شهر
۰/۰۰	-۴/۱۱	۱/۲۶۲	۲/۸۳	اعتماد به سازمان‌ها
۰/۱۸۳	-۱/۳۳	۱/۳۵۶	۲/۹۴	رشد و شکوفایی بچه‌ها
۰/۰۰	-۳۱/۹۷	۱/۱۲۲	۴/۲۰	جذابیت، زیبایی و دلپذیر بودن شهر
۰/۳۱۷	-۱/۰۰	۱/۱۲۵	۲/۹۷	شاخص نهایی کیفیت ذهنی زندگی

ابعاد ذهنی کیفیت زندگی

برای شناسایی ابعاد ذهنی کیفیت زندگی، از تحلیل مؤلفه‌های اصلی استفاده شد. متغیرهای ورودی شامل ۳۳ معرف ذهنی می‌باشند. نتایج حاصل از تحلیل مؤلفه‌های اصلی نشان داد که ارزش KMO برابر ۰/۹۲۲ و سطح معناداری آزمون بارتلت برابر ۰/۰۰۰ است؛ بنابراین، داده‌های مورد استفاده برای تحلیل عاملی مناسب می‌باشند. ۳۳ معرف بعد ذهنی کیفیت زندگی در قالب ۶ عامل خلاصه‌سازی شده و این ۶ عامل حدود ۵۰/۶۱۸ درصد از واریانس داده‌های را تبیین می‌کنند (جدول ۵).

مؤلفه ۱: معرف‌های رضایت از زندگی در این شهر، احساس تعلق به شهر، رضایت از محل زندگی، احساس امنیت، قابل اعتماد بودن مردم شهر، جذاب، زیبا و دلپذیر بودن شهر و روابط با همسایه‌ها در این مؤلفه قرار گرفته‌اند. این مؤلفه را می‌توان با عنوان "سرمایه اجتماعی" نام‌گذاری نمود. ارزش بالاتر در این مؤلفه، نشان‌دهنده کیفیت زندگی بالاتر هست. این مؤلفه به عنوان مهم‌ترین مؤلفه، بیش از ۹/۶ درصد واریانس موجود در داده‌ها را تبیین می‌کند.

مؤلفه ۲: این مؤلفه دربرگیرنده معرف‌های دسترسی به امکانات تفریحی و ورزشی، دسترسی به امکانات فرهنگی، دسترسی به فضای سبز و بوستان‌های شهری، دسترسی به فضاهای عمومی، دسترسی به خدمات بهداشتی و درمانی، دسترسی به امکانات آموزشی و کیفیت مسکن است؛ بنابراین، می‌توان این مؤلفه را با عنوان "دسترسی به امکانات" نام‌گذاری نمود. این مؤلفه حدود ۹/۵ درصد واریانس داده‌ها را تبیین می‌کند.

مؤلفه ۳: معرف‌های سیستم جمع‌آوری و دفع زباله، سیستم تخلیه فاضلاب و آب‌های سطحی، پاکیزگی خیابان‌ها و کوچه‌ها، اعتماد به سازمان‌های دولتی، دسترسی به حمل‌ونقل عمومی، دسترسی به خدمات امنیت عمومی و روشنایی معابر در شب در این مؤلفه قرار گرفته و حدود ۹/۵ درصد از کل واریانس داده‌ها را تبیین می‌کنند. این مؤلفه را می‌توان تحت عنوان "بهداشت و امنیت شهری" نام‌گذاری نمود.

مؤلفه ۴: این مؤلفه شامل معرف‌های وضعیت مالی خود و خانواده، رضایت از زندگی، وضعیت سلامت خود و خانواده و وضعیت شغلی است و می‌توان این مؤلفه را با عنوان "رضایت از زندگی" تعریف نمود. این مؤلفه حدود ۷/۷ درصد واریانس داده‌ها را تبیین می‌کند.

مؤلفه ۵: معرف‌های آسان پیدا کردن شغل، سهولت پیدا کردن مسکن مناسب، وضعیت خیابان‌ها، مناسب بودن شهر برای

رشد و شکوفایی بچه‌ها و کارایی خدمات اداری در شهر در این مؤلفه قرار گرفته و در مجموع حدود ۷/۶ درصد واریانس موجود در داده‌ها را تبیین می‌کنند. این مؤلفه را می‌توان با عنوان "فرصت‌های زندگی" نام‌گذاری نمود. مؤلفه ۶: این مؤلفه شامل سه معرف کیفیت هوا، دسترسی به مغازه‌های خرده‌فروشی و آرامش و خلوتی شهر است. این مؤلفه حدود ۶/۶ درصد واریانس داده‌ها را تبیین نموده است. این مؤلفه را می‌توان با عنوان "آرامش شهری" نام‌گذاری نمود (جدول ۵).

جدول شماره ۵. ابعاد ذهنی کیفیت زندگی

مؤلفه‌ها						معرف‌ها
۶	۵	۴	۳	۲	۱	
					۰/۷۰۴	رضایت از زندگی در این شهر
					۰/۶۰۲	احساس تعلق به شهر
					۰/۶۰۱	رضایت از محل زندگی
					۰/۵۹۸	احساس امنیت
					۰/۵۸۴	قابل اعتماد بودن مردم شهر
					۰/۵۳۸	جذاب، زیبا و دلپذیر بودن شهر
					۰/۴۰۸	روابط با همسایه‌ها
				۰/۷۵۴		دسترسی به امکانات تفریحی و ورزشی
				۰/۷۲۳		دسترسی به امکانات فرهنگی
				۰/۶۵۷		دسترسی به فضای سبز و بوستان‌های شهری
				۰/۵۱۴		دسترسی به فضاهای عمومی
				۰/۴۷۷		دسترسی به خدمات بهداشتی و درمانی
				۰/۴۲۳		دسترسی به امکانات آموزشی
				۰/۳۹۴		کیفیت مسکن
			۰/۶۵۹			سیستم جمع‌آوری و دفع زباله
			۰/۶۲۵			سیستم تخلیه فاضلاب و آب‌های سطحی
			۰/۵۷۱			پاکیزگی خیابان‌ها و کوچه‌ها
	۰/۴۳۷		۰/۴۵۸			اعتماد به سازمان‌های دولتی
			۰/۴۴۵			دسترسی به حمل‌ونقل عمومی
			۰/۴۲۱			دسترسی به خدمات امنیت عمومی
			۰/۴۱۷			روشنایی معابر در شب
		۰/۷۸۱				وضعیت مالی
		۰/۶۹۲				زندگی‌تان
		۰/۶۴۰				وضعیت سلامت
		۰/۶۰۱				وضعیت شغلی
	۰/۵۸۶					پیدا کردن شغل
	۰/۵۸۴					پیدا کردن مسکن مناسب
	۰/۵۵۳					وضعیت خیابان‌ها
	۰/۴۶۰				۰/۴۵۷	مناسب بودن شهر برای رشد و شکوفایی بچه‌ها
	۰/۴۰۸					کارایی خدمات اداری در شهر
۰/۶۷۳						کیفیت هوا
۰/۶۳۰						دسترسی به مغازه‌های خرده‌فروشی
۰/۴۶۸						آرامش و خلوتی شهر
۲/۱۹۲	۲/۵۰۳	۲/۵۵۹	۳/۱۲۵	۳/۱۲۷	۳/۱۹۸	بار عاملی
۶/۶۴۲	۷/۵۸۳	۷/۷۵۴	۹/۴۷۱	۹/۴۷۶	۹/۶۹۱	واریانس (%)
۵۰/۶۱۸						مجموع واریانس تبیین شده

پس از شناسایی ابعاد کیفیت ذهنی زندگی در محدوده مورد مطالعه، ارتباط میان اندازه شهر و ابعاد ذهنی کیفیت زندگی با استفاده از تحلیل همبستگی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج تحقیق نشان داد که مؤلفه اول تحت عنوان سرمایه اجتماعی دارای رابطه منفی و معناداری با اندازه شهر هست. به عبارت دیگر، با بالا رفتن اندازه شهر، سرمایه اجتماعی کاهش یافته و با کاهش اندازه شهر، سرمایه اجتماعی افزایش یافته است. دسترسی به امکانات دارای رابطه‌ای مثبت و معنادار با اندازه شهر است. شهرهای بزرگ‌تر، دسترسی بهتری به امکانات داشته و در شهرهای کوچک‌تر، میزان رضایت از دسترسی به امکانات در سطح پایین‌تری قرار دارد. دو مؤلفه بهداشت و امنیت شهری و رضایت از زندگی رابطه معناداری را با اندازه شهر نشان نمی‌دهد. با این حال، مؤلفه پنجم تحت عنوان فرصت‌های زندگی، دارای رابطه معنادار و منفی با اندازه شهر است. مؤلفه ششم نیز رابطه‌ای منفی و معنادار با اندازه شهر دارد. با افزایش اندازه شهر، آرامش شهری کاهش یافته و با کاهش اندازه شهر، آرامش شهری افزایش یافته است (جدول ۶).

جدول شماره ۶. تحلیل همبستگی میان ابعاد ذهنی کیفیت زندگی و اندازه شهر

مؤلفه‌ها	ضریب همبستگی	سطح معناداری	تعداد نمونه
سرمایه اجتماعی	-۰/۰۷۰	۰/۰۳۶	۸۹۴
دسترسی به امکانات	۰/۱۸۸	۰/۰۰۰	۸۹۴
بهداشت شهری	۰/۰۳۵	۰/۳۰۰	۸۹۴
رضایت از زندگی	-۰/۰۱۲	۰/۷۱۹	۸۹۴
فرصت‌های زندگی	-۰/۲۰۳	۰/۰۰۰	۸۹۴
آرامش شهری	-۰/۲۱۷	۰/۰۰۰	۸۹۴
شاخص نهایی کیفیت زندگی	-۰/۰۷۹	۰/۰۱۸	۸۹۴

نتیجه‌گیری

کیفیت زندگی مفهومی پیچیده، چندبعدی و وابسته به زمان و مکان است. یکی از عوامل مکانی تأثیرگذار در کیفیت زندگی، اندازه سکونتگاه هست. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که اغلب شاخص‌های عینی کیفیت زندگی دارای همبستگی مثبت با اندازه شهر می‌باشند. در شهرهای بزرگ‌تر، کیفیت مسکن، دسترسی به خدمات، نرخ باسوادی و دسترسی به شغل، به طور معناداری در مقایسه با شهرهای کوچک‌تر، دارای شرایط بهتری است. با این حال، نرخ طلاق به عنوان یکی از شاخص‌های کیفیت زندگی شهری، در شهرهای بزرگ‌تر دارای وضعیت نامناسب‌تری در مقایسه با شهرهای کوچک‌تر است. بنابراین، در جمع‌بندی کلی می‌توان گفت که کیفیت عینی زندگی در شهرهای بزرگ‌تر در محدوده مورد مطالعه در مقایسه با شهرهای کوچک‌تر دارای وضعیت بهتری است. تحلیل همبستگی میان ابعاد ذهنی کیفیت زندگی با اندازه شهر نشان داد که در اغلب مؤلفه‌ها شامل سرمایه اجتماعی، رضایت از زندگی، فرصت‌های زندگی و آرامش شهری، رابطه‌ای معکوس میان کیفیت زندگی و اندازه شهر وجود دارد؛ به عبارت دیگر، با بزرگ‌تر شدن اندازه شهرها، کیفیت ذهنی زندگی کاهش یافته است. نتایج مطالعات هایو^۱ (۲۰۰۷)، نایت و گاناتیلاکا^۲ (۲۰۱۰)، کزارین^۳ (۲۰۱۲)، سورنسن^۴ (۲۰۱۴) و لنزی و پروسکا^۵ (۲۰۱۶) نیز نشان می‌دهند که رضایت از زندگی و بهزیستی ذهنی در شهرهای بزرگ در مقایسه با شهرهای کوچک و روستا شهرها، دارای سطح پایین‌تری هست. رابطه میان اندازه شهر و کیفیت زندگی در بطن مفهوم صرفه‌های ناشی از تجمع قابل تبیین است. انسان‌ها و بنگاه‌های اقتصادی برای بهره‌مندی

1 Hayo

2 Knight and Gunatilaka

3 Okulicz-Kozaryn

4 Sorensen

5 Lenzi and Perucca

از تعامل و هم‌جواری با سایر انسان‌ها و بنگاه‌های اقتصادی، دسترسی به امکانات و زیرساخت‌ها به سمت شهرهای بزرگ جابجا می‌شوند. تجمع و هم‌جواری در شهرهای بزرگ سبب ایجاد تفکر خلاق، سرریز دانش، ارتقای یادگیری و مهارت، هم‌افزایی و صرفه‌جویی در زمان می‌شود. با این حال، رابطه میان ابعاد عینی کیفیت زندگی و اندازه شهر، رابطه‌ای خطی نمی‌باشد. در فرایند رشد شهری، مرحله‌ای فرا می‌رسد که بر اثر رشد بیش‌ازحد اندازه شهر، صرفه‌های ناشی از تجمع تبدیل به عدم صرفه می‌شوند. ازدحام، آلودگی، ترافیک، افزایش شتابان قیمت زمین و مسکن، هزینه‌های زندگی و بسیاری از عوامل دیگر، شرایط زندگی در شهر را دچار زوال می‌سازند. در واقع، با تبدیل صرفه‌های ناشی از تجمع به عدم صرفه، ابعاد ذهنی کیفیت زندگی دچار تنزل شده و کیفیت کلی زندگی ساکنان شهر را تحت تأثیر قرار می‌دهند. بر این اساس، می‌توان گفت که در شهرهای بزرگ‌تر در محدوده مورد مطالعه، کیفیت عینی زندگی شامل کیفیت مسکن، دسترسی به امکانات و خدمات، دسترسی به مسکن و شغل دارای وضعیت بهتری در مقایسه با شهرهای کوچک‌تر هست؛ در مقابل، کیفیت ذهنی زندگی شامل رضایت از زندگی، آرامش، فرصت‌ها و سرمایه اجتماعی در شهرهای کوچک‌تر به‌طور معناداری در مقایسه با شهرهای بزرگ‌تر، وضعیت بهتری را نشان می‌دهد. با این حال، با توجه به تنوع ویژگی‌های محیطی، اجتماعی و اقتصادی در ایران، پیشنهاد می‌شود مطالعات مربوط به بررسی رابطه میان اندازه شهر و کیفیت زندگی در سایر مناطق ایران به‌منظور دستیابی به مدلی جامع برای تبیین تأثیرگذاری اندازه شهر بر کیفیت زندگی، انجام پذیرد.

منابع

- ۱) فتاحی، احد الله؛ خراسانی، محمدامین؛ پایدار، ابودر (۱۳۹۱) کیفیت زندگی و توسعه انسانی، چاپ اول، تهران: نشر انتخاب.
- ۲) مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۹۵.
- ۳) منصوریان، حسین (۱۳۹۵) پویای جمعیتی و الگوهای پوشش زمین در منطقه کلان‌شهری تهران، پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری، دوره ۴، شماره ۴، صص ۶۳۳-۶۱۳.
- ۴) نیازی، محسن و دلال خراسانی، محمد (۱۳۹۱) تبیین عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر زندگی شهروندان، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، دوره ۸، شماره ۲۷، صص ۲۲۹-۱۹۸.
- 5) Alonso, William. (1971) The Economics of Urban Size, Papers of the Regional Science Association, Vol.26, pp.67-83.
- 6) Berry, Brian. & Okulicz-Kozaryn, Adam. (2012) The city size distribution debate: Resolution for US urban regions and megalopolitan areas, Cities, Vol. 29, pp.S17-S23.
- 7) Berry, Brian. (1961) City Size Distributions and Economic Development, Economic Development and Cultural Change, Vol,9, No.4, pp. 573-88.
- 8) Berry, Brian. (1964) Cities as Systems within Systems of Cities, Papers and Proceedings of the Regional Science Association, Vol.13, pp.147-163.
- 9) Biagia, Bianca. & Gabriela Ladub, Maria. & Meleddu, Marta. (2018) Urban Quality of Life and Capabilities: An Experimental Study, Ecological Economics, Vol.150, pp.137-152.
- 10) Bosker, Maarten. & Brakman, Steven. & Garretsen, Harry. & Schramm, Marc. (2008) A century of shocks: The evolution of the German city size distribution 1925-1999, Regional Science and Urban Economics, Vol.38, pp.330-347.
- 11) Brereton, Finbarr. & Clinch, Peter. & Ferreira Susana. (2008) Happiness, geography and the environment, Ecological Economics, Vol.65, No.2, pp.386-396.

- 12) Buettner, Thiess. & Holm-Hadulla, Frédéric. (2013) City size and the demand for local public goods, *Regional Science and Urban Economics*, Vol.43, pp.16–21.
- 13) Chen, Juan. & Davis, Deborah. & Wuc, Kaming. & Dai, Haijing. (2015) Life satisfaction in urbanizing China: The effect of city size and pathways to urban residency, *Cities*, Vol.49, pp.88–97.
- 14) Chen, Binkai. & Liu, Dan. & Lu, Ming. (2018) City size, migration and urban inequality in China, *China Economic Review*, Vol.51, pp. 42-58.
- 15) Clark, David. & Kahn, James. & Ofek, Haim. (1988) City Size, Quality of Life, and the Urbanization Deflator of the GNP: 1910-1984, *Southern Economic Journal*, Vol.54, No.3, pp. 701-714.
- 16) Evans, A. W. (1972) The Pure Theory of City Size in an Industrial Economy, *Urban Studies*, pp. 49–77.
- 17) Fenger, Jes. (2009) Air pollution in the last 50 years: from local to global, *Atmospheric Environment*, Vol.43, pp.13-22.
- 18) Galloway, Susan. & Bell, David. & Hamilton, Christine. & Scullion, A. (2006). Quality of life and well-being: Measuring the benefits of culture and sport: Literature review and thinkpiece. Edinburgh: Analytical Services Division, Scottish Executive Education Department, pp. 4-97.
- 19) Giesen, Kristian. & Suedekum, Jens. (2014) City age and city size, *European Economic Review*, Vol.71, pp.193–208.
- 20) Han, Lijian. & Zhou, Weiqi. & Pickett, Steward. & Li, Weifeng. & Li, Li. (2016) An optimum city size? The scaling relationship for urban population and fine particulate (PM2.5) concentration, *Environmental Pollution*, Vol.208, pp.96-101.
- 21) Hayo, Bernd. (2007) Happiness in transition: An empirical study on Eastern Europe, *Economic Systems*, Vol.31, No.2, pp.204-221.
- 22) Henderson, J. V. (1974) the Sizes and Types of Cities, *American Economic Association*, Vol.64, No. 4, pp. 640-656.
- 23) Henderson, Vernon. & Wang, Hyung Gun. (2007) Urbanization and city growth: The role of institutions, *Regional Science and Urban Economics*, Vol.37, pp.283–313.
- 24) Hitzschke, Stephan. (2011) The optimal size of German cities: Anefficiency analysis perspective, *Darmstadt Discussion Papers in Economics*, No.202, Technische Universität Darmstadt, Department of Law and Economics, Darmstadt.
- 25) Kladivo, Petr. & Halas, Marian. (2012) Quality of life in an urban environment: A typology of urban units of Olomouc, *Quaestiones Geographicae*, Vol.31, No.2, pp. 49–60.
- 26) Knight, John. & Gunatilaka, Ramani. (2010) The rural–urban divide in China: Income but not happiness?, *The Journal of Development Studies*, Vol.46, No.3, pp.506-534.
- 27) Lenzi, C. & Perucca, G. (2016) Life Satisfaction across Cities: Evidence from Romania, *The Journal of Development Studies*, Vol.52, No.7, pp.1062-1077.
- 28) Marans, Robert. & Stimson, Robert. (2011) Investigating Quality of Urban Life: Theory, Methods, and Empirical Research, social indicator research series, Springer.
- 29) Mitra, Arup. & Nagar, Jay Prakash. (2018) City size, deprivation and other indicators of development: Evidence from India, *World Development*, Vol.106,

- pp.273–283.
- 30) Morrison, Philip. (2007) Subjective Wellbeing and the City, *Social Policy journal of New Zealand*, No.31, pp. 74–103.
 - 31) Morrison, Philip. & Weckroth, Mikko. (2018) Human values, subjective well-being and the metropolitan region, *Regional Studies*, Vol.52, No.3, pp.325–337.
 - 32) Okulicz-Kozaryn, Adam. (2012) Income and well-being across European provinces, *Social Indicators Research*, Vol.106, No.2, pp.371-392.
 - 33) Parr, J.B. (1970) Models of City Size in an Urban System, *Papers and Proceedings of the Regional Science Association*, Vol.25, pp. 221-253.
 - 34) Pinto, Sara. & Fumincelli, Lais. & Mazzo, Alessandra. & Caldeira, Silvia. & Martins, Jose. Carlos. (2017) Comfort, well-being and quality of life: Discussion of the differences and similarities among the concepts, *Porto Biomedical Journal*, Vol. 2, No.1, pp. 6–12.
 - 35) Phillips, David. (2006) *Quality of life: Concept, policy and practice*, Edition 1, Publisher Routledge USA.
 - 36) Rezvani, Mohammad Reza. & Mansourian, Hossain. & Sattari, Mohammad Hossain. (2013) Evaluating Quality of Life in Urban Areas (Case Study: Noorabad City, Iran), *Social Indicators Research*, Vol.112, No.1, pp.203-220.
 - 37) Richardson, H. W. (1972) Optimality in City Size, *Systems of Cities and Urban Policy: a Sceptic's Views*, *Urban Studies*, pp.29–48.
 - 38) Serag El Din, Hamam. & Shalaby, Ahmed. & Farouh. Hend Elsayed. & Elariane, Sarah. (2013) Principles of urban quality of life for a neighborhood, *HBRC Journal*, Vol.9, No.1, pp. 86–92.
 - 39) Singell, Larry. (1974) Optimum City Size: Some Thoughts on Theory and Policy, *Land Economics*, Vol.50, No.3, pp. 207-212.
 - 40) Sores, Anett. & Peto. Karoly. (2015) Measuring of Subjective Quality of Life, *Procedia Economics and Finance*, Vol.32, No.15, pp.809–816.
 - 41) Sorensen, Jens. (2014) Rural–urban differences in life satisfaction: Evidence from the European Union, *Regional Studies*, Vol.48, No.9, pp.1451-1466.
 - 42) Stewart, Charles. (1958) The Size and Spacing of Cities, *Geographical Review*, Vol.48, No.2, pp. 222-245.
 - 43) Tuan Seik, Foo. (2000) Subjective assessment of urban quality of life in Singapore (1997–1998), *Habitat International*, Vol.24, No.1, pp.31-49.
 - 44) United Nations. (2019) *World Urbanization Prospects: The 2018 Revision*, Department of Economic and Social Affairs, Population Division, New York.
 - 45) Veneri, Paolo. (2016) City size distribution across the OECD: Does the definition of cities matter?, *Computers, Environment and Urban Systems*, Vol.59, pp.86–94.
 - 46) Weziak-Bialowolska, Dorota. (2016) Quality of life in cities-Empirical evidence in comparative European perspective, *Cities*, Vol.8, pp.87–96.
 - 47) WHO. (1998) WHOQOL: measuring quality of life, *Psychological Medicine*, Vol. 28, No.3, pp. 551–558.
 - 48) Zhang, Xing Quan. (2016) The trends, promises and challenges of urbanisation in the world, *Habitat International*, Vol.54, pp. 241-252.
 - 49) Zhou, Shangyi. & Dai, Juncheng. & Bu, Jianhua. (2013) City size distributions in China 1949 to 2010 and the impacts of government policies, *Cities*, Vol.32, pp.S51–S57.